■ روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران ■ صاحب‌امتیاز: سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی‌ایران ■ نخستین موسسه فرهنگی مطبوعاتی کشور دارای گواهینامه بین‌المللی ISO9001:2008 از ACS registrars

جام جم

■ شاپا: ISSN۱۷۳۵-۳۶۳۷
■ پایگاه اینترنتی: www.jjo.ir
■ www.jamejamdaily.ir
■ پست الکترونیکی: info@jamejamdaily.ir

■ تهران، بلوار میرداماد، جنب مسجد الغدیر، شماره ۱۲۹
■ تلفن: ۲۳۰۰۴۰۰۰ - ۰۲۱ ■ دورنگار تحریریه: ۲۲۲۲۶۲۵۲
■ سازمان شهرستان‌ها: ۴۵۸۹۷ ■ کد پستی: ۱۹۱۱۶۱۸۴۱۳
■ امور مشترکین: ۴۴۲۰۲۹۳۰ ■ سازمان آگهی‌ها: ۲۳۰۰۴۰۳۲
■ پیامک: ۳۰۰۰۱۱۲۴۰ ■ روابط عمومی: ۲۲۲۶۲۱۴۲
■ چاپ: به صورت همزمان در تهران و شهرستان‌های اصفهان، اهواز، تبریز، ساری و همدان (چاپخانه‌های روزنامه جام جم)

یکشنبه ۲۷ آبان ۱۳۹۷ | ۱۰ ربیع‌الاول ۱۴۴۰ | ۲۰ صفحه | سال نوزدهم - شماره ۵۲۵۲ | استان تهران و البرز ۱۰۰۰ تومان - دیگر استان‌ها ۵۰۰ تومان | SUN - 2018 Nov 18

حدیث روز: کنزالعمال

پیامبر اسلام(ص): برترین هجرت، هجرت از چیزی است که خدا آن را خوش ندارد.

پلک احساس: حافظ

مرغ کم حوصله را گو غم خود خور که بر او
رحم آن کس که نهد دام چه خواهد بودن

امروز در تاریخ:

- ازدواج پیامبر اکرم با حضرت خدیجه(س) پانزده سال قبل از بعثت (۲۵ عام‌الفیل)
- آزادی گروگان‌های زن و سیاهپوست آمریکایی به فرمان امام خمینی(ره) (۱۳۵۸ش)
- شهادت سرلشکر پاسدار مهدی زین‌الدین، فرمانده لشکر ۱۷ علی بن ابی طالب(ع) (۱۳۶۳ش)
- درگذشت مرضیه حدیدچی دباغ، از مبارزان پیشگام انقلاب اسلامی (۱۳۹۵ ش)

اوقات شرعی:

اذان ظهر: ۱۱/۴۹ | غروب آفتاب: ۱۶/۵۶
اذان مغرب: ۱۷/۱۵ | نیمه‌شب شرعی: ۲۳/۰۶
اذان صبح (فردا): ۵/۱۷ | طلوع خورشید(فردا): ۶/۴۴

پیش‌بینی آب و هوا دوشنبه

تهران	ایلام	ارومیه	بیرجند	ساری	قزوین	کرمانشاه	یاسوج
۱۶ / ۸	۱۵ / ۳	۱۳ / ۱	۲۰ / ۵	۱۸ / ۱۰	۱۵ /۴	۱۱ / ۳	۱۶ / ۳

حکمت ۲: نهج‌البلاغه

آن‌که طمع را شعار خود سازد، خود را خوار ساخته و هر که پریشان‌حالی خویش را با دیگران در میان نهد، تن به ذلت داده است و کسی که زبانش بر او فرمان راند، بی‌ارج شود.

در رثای جهادگر آسمانی، امیرمحمد اژدری

سفر جهادی به بهشت

دکتر محمد مهدی نوریه

اولین باری که دیدمش تابستان ۹۴ بود. اردوی جهادی استان کرمانشاه شهرستان ثلاث باباجانی. با لبخند همیشگی و آغوش باز. امیر اژدری. رفتارش آنقدر گرم بود و جا افتاده که به خیالم نمی رسید ۴ سال از من کوچکتر است. امیر و علی حاجوی زوج دوست داشتنی فرماندهی در قرارگاه امام رضا بودند. سختی های اردو را که برایش تعریف می کردم می گفت درست می شه! انصافا پیگیر هم بود. بعد از اردوی کرمانشاه رابطه من با قرارگاه امام رضا به واسطه امیر بیشتر هم شد. پایش سلامت خانواده های محروم محله دروازه غار و هرندی و دیگر محله های محروم جنوب شهر تهران. امیر همیشه آنلاین بود. نه آنلاین فقط برای نق زدن آنلاین کف صحنه. از هیچ کاری هم دریغ نداشت. همیشه دنبال این بود کار مردم راه بیفتد. هر وقت پیامی می فرستاد می دانستم جواب آزمایش یا داروی خانواده محرومی است که فرستاده. سطح بالای روابط عمومی و بهتر بگویم دلنشینی کاری کرده بود که امیر اژدری را هم بچه های خیلی حزب اللهی قبولش داشته باشند و محل رجوعشان بود هم افرادی که تیپ هایشان متفاوت بود. در برخورد با مردم فروتن بود و در برخورد با مسئول طلبکار. مردم هم برایش فقط شمرونی ها تعریف نمی شدند. کارتن خواب های هرندی یکی در میان رفیقش بودند. چون در روزهای سرد زمستان و پاییز از دست امیر یا کاسه آش و غذای گرم گرفته بودند یا پتوی گرم. پارسال همین روزها پیام داد مهدی سرپل هستیم اگر می تونی بیا روستای زرده پزشک ندارند. صبح که رسیدم دبیرستان شاهد سرپل دیدم طبقه سوم یک دبیرستان خوابیدند. روستاها را سرکشی و در حد توان ویزیت می کردیم. امیر از خیلی ها کمک کار تر بود برای من. رشته اش مهندسی بود اما داروها را خوب می شناخت. تابستان ۹۷ بیشتر از همیشه و هر وقتی توان گذاشت. برپایی سه اردوی جهادی در اهواز نورآباد لرستان و بروجرد. انگار می دانست وقتش کم است و باید تا می تواند آن دنیا را آباد کند. شبی که به خاطر تداخل برنامه ها اوضاع اردو نورآباد سخت شده بود و حتی شام محیا نبود با هم به شهر نورآباد رفتیم. شهری که در معروفترین رستورانش از یک غذا ۶۰ پرس نداشت. با عجله فراوان خودمان را به هفت چشمه رساندیم. گفتم: امیر جان اون ها که نمی میرند! بالاخره یک چی هست می خوریم. گفت: مهدی! این ها خیلی اذیت شدند تو این اردو. بعضی هاشون جشن فارغ التحصیلی ول کردند. آبرو داری کردند. برای مردم آمدند از کم عرضگی من است که برنامه به هم ریخت. عصبانی ترین وقتی دیدمش که از خانه یک زن در روستای سیرکانه بیرون آمد. کارد می زدی خونش در نمی آمد چون پسر خانواده مجبور بود برای درآمد بیاید در متروی تهران کار کند. از فقر عصبی می شد و از شادی مستضعف و یتیم خوشحال. تابستان قول گرفت که اردوی عید ۹۸ را در سیستان حتما باشم. من هم قول دادم. اما الان که سوار بر اتوبوس از اهواز به سمت تهران می آیم می بینم بدقولی کرد. خوزستان شاید آب و هوایش علاج شود ولی برای همیشه امیر محمد اژدری را از دست داد. اژدری که کوچه پس کوچه های گمبوعه و ماهشهر و خرمشهر و محله های مستضعف نشینش را بهتر از هر جای تهران بلد بود. به سوی تهران آمدن هیچ وقت آنقدر تلخ نبود برایم. اما می آیم که برادرم را به خاکی سرد بسپاریم. برای من به عنوان یک پزشک مواجهه با مرگ امری غیر معمول نیست... اما رفتن امیر عزیز برایم غیر قابل باور است. شاید به قول یکی از دوستان تصادف در شهادت است؛ برای آدم خوب ها، برای جهادی ها برای آن ها که مانده اند تا ایران را بسازند.

کافه میرداماد

گفت‌وگو با حسین محجوبی؛ عارفی که نقاش شد

پیرمردی که با اسب‌ها می‌دود

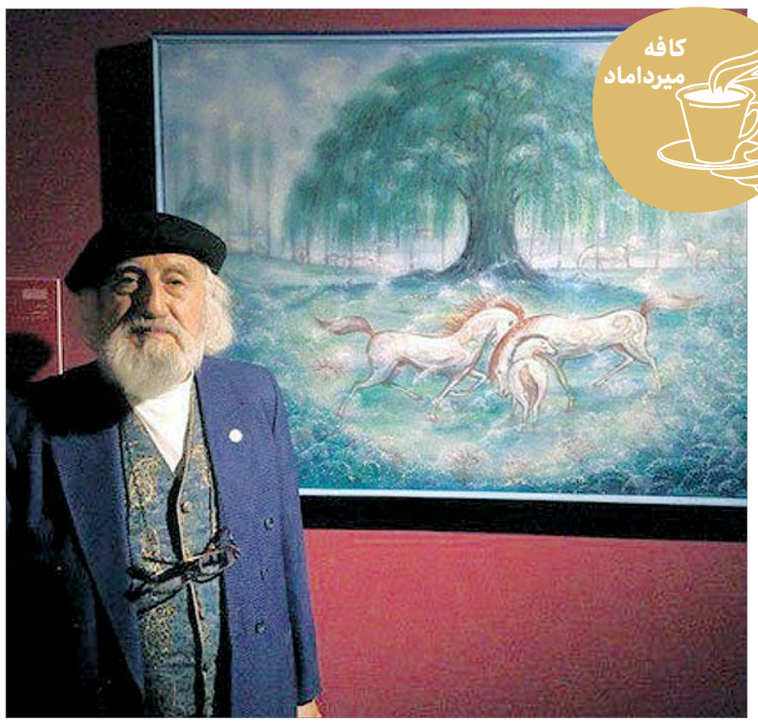

طاهره آشیانی
روزنامه‌نگار

شهریور ماه بود که جدیدترین تابلوی استاد حسین محجوبی رونمایی شد. تابلویی که «آرامش در طبیعت پاك» نام داشت و ابعاد آن دو متر در دو متر بود. زیبایی و بزرگی این تابلو همه را شگفت‌زده کرد، ذهن نقاش ۸۸ ساله و نوگرا هنوز هم قلم بر رنگ می‌زند و با رنگ‌هایش آرامش را به ما هدیه می‌دهد. اگر تاکنون نقاشی‌های استاد را در نمایشگاهی از نزدیك تماشا نکرده‌اید، پیشنهاد می‌کنم در اینترنت آنها را جست‌وجو کرده و از تماشای آنها لذت ببرید. درخت و اسب دو عنصر اصلی تابلوهای استاد محجوبی است که در فضایی سیال و خیال‌گون روی بوم نقش بسته است. از نگاه او همه چیز دوار است، انگار در دایره‌ای دست‌به‌دست می‌چرخد. آثار محجوبی به نوعی یادآور آثار ون‌گوك است؛ همان آرامش، همان رهایی و همان خطوط نرم و روایتی متفاوت از طبیعت.

شماره تلفن خانه استاد را می‌گیرم، بعد از سه زنگ جواب می‌دهد، مهربان و پر انرژی و خندان با لهجه گیلکی، سلام و احوالپرسی می‌کند. زاده لاهیجان مهربانانه می‌گوید: جان دلم... و شنبه من با این حجم از خوبی شروع می‌شود. حسین محجوبی در لابلای صحبت‌هایش بیتی از مولانا هم می‌خواند، فقط می‌توان در ذهن تجسم کرد، مقابل تابلوهای استاد ایستاده باشی، خیره به طبیعتی آبی فیروزه‌ای و پیرمرد با حافظه‌ای عجیب زمزمه کند: اگر چرخ وجود من از این گردش فروماند / بگرداند مرا آن کس که گردون را بگرداند...

در این هوای پاییز و این همه بارانی که بارید چه می‌کنید؟

باران که ارزشمند است و باریدنش را هیچ قیمتی نمی‌توان گذاشت. من هم با پررویی تمام زندگی را ادامه می‌دهم. تابستان امسال نمایشگاهی برگزار کردم آن هم در ۸۸ سالگی (می‌خندد) خیلی‌ها گفتند، هنوز ادامه می‌دهی؟ بله تا درخت باشد باید ادامه داد. آخرین تابلویم، اسب و درخت است؛ برای طبیعت باید کاری کرد، طبیعتی که در حال از بین‌رفتن است.

گفتید با پررویی زندگی را ادامه می‌دهید و نقاشی می‌کشید، به گُمانم این عشق به زندگی است و تداوم حال خوب...

چندین دهه است عاشق عالم شده‌ام. سال‌هاست هر جا می‌نگرم قامت رعنای خداوند را می‌بینم. همه عالم از اتم تشکیل شده و همه چیز در حال رقص و سماع است. ۱۱۸ عنصر عالم را ساخته‌اند. اتم‌ها با هم ترکیب می‌شوند و آب، باد و... را می‌آفرینند. من عظمت را در همه عناصر دیدم و عاشق عالم شدم. اگر همه نقاشان و معماران عالم دور هم جمع شوند، نمی‌توانند ذره‌ای کوچك از آفریده‌های عالم را خلق کنند. هنرمند کمی از روح جهان را می‌بیند و آن را دوباره‌سازی می‌کند. انسان تنها موجودی است که روی دوپا راه می‌رود و تنها موجودی است که مقام این را یافته که خداوندگار را بشناسد. گرفتاری‌های عالم را نیز همین موجود دو پا به وجود می‌آورد، آن هم با حرص و طمعش که سیری‌ناپذیر است. این انسان انرژی‌های زمین را به تسخیر درآورده و با آن کاری نمی‌کند جز مردم آزاری.

از عناصر گفتید؛ آب، آتش، باد، خاك... چهار عنصر اصلی، شما کدام یك هستید؟

همه یکی هستیم! به قول مولانا، عاشقان را جستجو از خویش نیست / در جهان جوینده جز او بیش نیست.... بزرگانی مانند مولانا همه عالم را می‌دیدند، آنها قبل از این که شاعر باشند، دانشمند بودند و می‌دانستند که کل عالم از یك اتم تشکیل شده است. به همین دلیل مولانا می‌سراید: اگر چرخ وجود من از این گردش فروماند / بگرداند مرا آن کس که گردون را بگرداند...

با دیدن آثار شما احساس می‌کنم شما «باد» هستید...

همه عالم در حال حرکت است، آمدن و رفتن فصل‌ها، شب و روز و همه پدیده‌های طبیعی نشان از حرکت مداوم دارد. آفرینشی که اگر همه اقیانوس‌ها مرکب شوند، نمی‌توان عجایب آن را به تصویر کشید، عالم جمال خداست، دقیق و زیبا. همه دنیا پر از عناصر است؛ گاز، مایع، جامد. گازها را نمی‌بینیم، همان‌ها که حرکتشان مخفی است و آخر زیبایی و جمال خداوند هستند.

در آثارتان همه چیز در چرخش است. دایره در زبان و بیان عرفا مفاهیم زیادی دارد...

به نکته‌ای ظریف اشاره کردی دختر! اهل کجایی که چنین هوشیاری؟

اهل نیشابور...

بگو از سرزمین عطار و خیام...! چند سال قبل رفتم نیشابور و کنار آرامگاه خیام زانو زدم! البته چشمم افتاد به گوشه بنای آرامگاهش دیدم که دارد خراب می‌شود، آن زمان هنوز استاد سیحون زنده بود، زنگ زدم به آمریکا و به او گفتم کاری بکن تا این اثر از بین نرفته است... بگذریم! این دانشمندان که شاعر هم بودند واقعیت دنیا را می‌دیدند و در شعرشان آن را روایت می‌کردند. عظمت زبان فارسی و ادبیات ما را نباید دست‌کم گرفت. در دنیای ادبیات فارسی شاعران ایرانی از قدیم‌الایام به گِرد بودن دنیا و این که همه چیز از یك ذره به نام اتم پدید آمده‌اند سخن گفته‌اند. حتی در معماری قدیم ایرانی می‌توان این را دید. تمدن ایران‌زمین را نباید دست‌کم گرفت. ادبیات و معماری ما همه نمایشگر اعجازهای خداوندی است.

در آثار شما، اسب‌ها حضوری فعال دارند، اسب‌های در حال حرکت...

اسب سمبل انرژی است! انرژی را با قدرت اسب می‌سنجند. در امپراتوری ایران، اسب‌های قدرتمندی وجود داشتند که در زمانی بسیار کم از سرزمینی به سرزمین دیگر می‌رفتند! اسب را نمی‌توان نادیده گرفت.

و می‌گویند نجابت مختص اسب است...

دقیقا! عاطفه، صبر و نجابت اسب بی‌نظیر است. این حیوان از روزگارهای خیلی دور به انسان خدمت کرده و همچنان می‌کند...

در درون شما دو پدیده فعال است؛ یکی درخت که ریشه در زمین دارد و شاخه در آسمان و دیگری اسب که سمبل انرژی است و نجابت... با این احوال در روزگاری که دست و پا می‌زنیم برای کمی حال خوب، چه پیشنهادی برایمان دارید؟

از زمانی که «آدم» خلق شد و ۱۲۴ هزار پیامبر برای هدایت او آمد، آیا شما «آدم» می‌بینی!؟ دعا کنیم خدا آدم‌مان کند! چرا آدم نشدیم؛ طمع و حرص. آرزو کنیم که دانشمندان راهی پیدا کنند که آدم‌های بخیل و حریص به دنیا نیایند تا دنیا حالش خوب شود! اگر جلوی تولد اینها گرفته شود دیگر بمبی در دنیا منفجر نمی‌شود و این همه خرابی بار نمی‌آید و حالمان نیز خوب خواهد شد.

مقطع حساس کنونی

حکایت مرد و استاد و جان و جامه

امید مهدی‌نژاد
طنزنویس

مردی که به معنویات و فضایل اخلاقی و مدارج و مقامات عرفانی علاقه بسیار داشت، هرچه تلاش کرد تا به معنویات و فضایل اخلاقی و مدارج و مقامات عرفانی دست پیدا کند، موفق نشد. در نتیجه تصمیم گرفت تا به محضر یك استاد برسد و از طریق محضر او و از راه میانبر به معنویات و فضایل اخلاقی و مدارج و مقامات عرفانی نایل شود.

در نتیجه به دفتر کار یکی از اساتید عرفانی مورد تأیید مراجعه کرد و او را گفت: «ای استاد، من یك طالب معنویات و فضایل اخلاقی و مدارج و مقامات عرفانی‌ام. جامه‌ات را به من می‌دهی تا بپوشم و تبرك شوم؟»

استاد گفت: «نخست به سوالم پاسخ گوی، آن‌وقت.»

مرد گفت: «در خدمتم.»

استاد گفت: «اگر مردی جامه زنی را بپوشد، زن می‌شود؟»

مرد گفت: «نع». استاد گفت: «اگر زنی جامه مردی را بپوشد، مرد می‌شود؟» مرد گفت: «نع». جوانمرد گفت: «همین دیگر.»

مرد گفت: «ینی نمی‌دی؟»

استاد گفت: «ای طالب معنویات و فضایل اخلاقی و مدارج و مقامات عرفانی، من این جامه را با دلار ۱۵ هزار تومانی از کریستین فالوعر پاریس خریده‌ام. دست نمی‌گذارم بهش بزنی، چه برسد بپوشی.»

مرد گفت: «عی بابا، گمان کردم خواهید گفت مدارج و مقامات عرفانی به جان است نه به جامه».

استاد گفت: «آن هم مزید بر علت.» سپس به نگهبانی گفت مرد را بیندازند بیرون و خود به جیب مراقبت فرورفت.

پزشك زنبوری

عمر عبدالحسن شهروند قاهره در مصر از زنبور عسل برای درمان انواع بیماری‌ها استفاده می‌کند. او که زنبوردار و یك پزشك تجربی و سنتی است به معاینه و درمان بیماری‌ها در یك محله فقیرنشین در قاهره مشغول است.

به گزارش فرارو، عمر، زنبور را مجبور می‌کند محل درد بیمار را نیش بزند و با این کار مدعی است، مشکل بیماران را حل می‌کند. او از نیش زنبور برای درمان بیماری‌های ام‌اس، التهاب مفاصل، و دیگر بیماری‌ها استفاده می‌کند.

نهنگ بادکنکی!

نشنال جئوگرافیك با انتشار یك عکس نوشت: یك ماهیگیر استرالیایی با دیدن این صحنه وحشت کرده و تصور می‌کرد موجودی عجیب و وحشتناك کشف کرده است. ولی معلوم شد این موجود عجیب جسد نهنگی مرده است که با جمع شدن گاز داخل بدنش به این شکل درآمده است.

خودروی ثروتمندترین مرد جهان

جف بزوس مدیر آمازون، ثروتمندترین مرد جهان که ثروتش حدود ۱۲۸ میلیارد دلار است، از یك خودروی ساده و قدیمی استفاده می‌کند.

به گزارش فردا نیوز، بزوس می‌گوید: با همین ماشین راحتم! او یك هوندا آکورد ۱۹۹۶ دارد که درحال حاضر قیمتش حدود ۴۰۰۰ دلار است!

عکس: تسنیم

زندگی در ارتفاعات کردستان

زمستان فضایی در راه است

ناسا هشدار داده که ظرف ماه‌های آینده زمستانی سرد و طولانی فضا را دربرمی‌گیرد و کاهش دما رکوردشکنی خواهد کرد. این امر می‌تواند برای زمین هم تبعاتی داشته باشد.

به گزارش فارس، یکی از دلایل کاهش دمای هوای فضا بخصوص در منظومه شمسی، کاسته شدن از فعالیت خورشید است که موجب شده در آینده نزدیك رکوردی تاریخی در مورد سرمای هوا در فضای لایتناهی ثبت شود.

مارتین ملینکزاد که در مرکز تحقیقاتی لانگلی ناسا کار می‌کند، در این مورد گفته است:

سرمای فضا تا سطوح فوقانی کره زمین پیش خواهد آمد و باعث می‌شود جو کره زمین نیز بخش زیادی از انرژی گرمایی خود را از دست بدهد. وی هشدار داده است: اگر این روند ادامه یابد، بزودی رکوردی بی‌سابقه در زمینه سرما در فضا به ثبت می‌رسد و این امر می‌تواند ارتباطات مخابراتی و سیستم‌های ناوبری ماهواره‌ای را مختل کند و حتی باعث شود زباله‌های فضایی نیز با یکدیگر تصادم کرده یا به درون جو کره زمین سقوط کنند.

بیشترین میزان سرمای فضا به علت کاهش فعالیت‌های خورشید به سال‌های ۱۶۴۵ تا ۱۷۱۵ میلادی بازمی‌گردد که به نظر می‌رسد میزان سرمای جدید از آن هم بیشتر باشد.